

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال شانزدهم، شماره دوم

تابستان ۱۳۹۴، شماره مسلسل ۶۲

نقش سیاسی خاندان یقطین در تاریخ شیعه

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۳۰

تاریخ تأیید: ۹۳/۸/۱۱

فاطمه جعفرنیا*

خاندان یقطین، یکی از تأثیرگذارترین خاندان‌های علمی و سیاسی شیعی کوفه از اواسط قرن دوم تا اواسط قرن سوم هجری است که از سویی در زمره اصحاب ائمه علیهم‌السلام قرار داشتند و از سوی دیگر، در دستگاه خلافت عباسی از موقعیت ویژه‌ای برخوردار بودند. این امر، به آنان موقعیتی ویژه برای نقش-آفرینی در گسترش سیاسی تشیع داد. با توجه به گستره ارتباطات این خاندان، این پرسش مطرح است که فعالیت‌های سیاسی آن‌ها، چه خاصتهای داشته است؟ یافته‌های مقاله حاضر که با هدف واکاوی این موضوع نگاشته شده، نشان می‌دهد که فعالیت سیاسی خاندان یقطین، هرچند در مقیاس خرد بر ابتکارات شخصی آن‌ها مبتنی بوده، اما در سطح کلان، بر راهبردهای سیاسی تعیین‌شده توسط امامان شیعه منطبق بوده است.

کلیدواژگان: خاندان‌های شیعی، خاندان یقطین، یقطین بن موسی، علی بن یقطین،

گسترش تشیع.

* استادیار تاریخ دانشگاه پیام نور.

مقدمه

از موضوعات قابل توجه در تاریخ تشیع، حضور خاندان‌های مختلف در کنار امامان شیعه در عصر حضور و پس از آن و نیز تأثیر آنان بر تحولات تاریخ این مذهب است؛ حضوری که موجب تداوم حیات شیعه و انتقال آموزه‌های آن به نسل‌های بعد شده است. این خاندان‌ها، در عرصه‌های مختلف به پاسداری تشیع و حفظ آثار امامان علیهم‌السلام پرداخته، گسترش فرهنگ شیعی را وظیفه خود می‌دانستند. اینان، هم در دریافت احکام و معارف اسلامی و ترویج آن در جامعه اسلامی و هم در صحنه مبارزات سیاسی، حضور داشته‌اند. از جمله این خاندان‌ها، می‌توان به خاندان‌های: اشعری، اعین، یقطین، فرات و نوبختی اشاره کرد. خاندان یقطین، یکی از خاندان‌های تأثیرگذار در تاریخ شیعه از اواسط قرن دوم تا اواسط قرن سوم است. این خاندان، از خاندان‌های متقدم علمی و سیاسی شیعه در کوفه به شمار می‌رود. فعالیت سیاسی این خاندان، از زمان فعالیت نهضت عباسیان آغاز شد. یقطین بن موسی که این خاندان منسوب به اوست، یکی از سران نهضت عباسیان و از چهره‌های سیاسی و مقرب دستگاه خلافت بود. بعد از تثبیت قدرت عباسیان، با توجه به موقعیت یقطین در دستگاه خلافت، برخی فرزندان او نیز به دستگاه خلافت راه یافته، حتی عهده‌دار مناصب سیاسی مهم گشتند. از سوی دیگر، با توجه به گرایش‌های شیعی فرزندان یقطین و ارتباط آن‌ها با امامان شیعه، زمینه‌ای برای نفوذ برخی عناصر شیعی خاندان یقطین فراهم شد که این امر، می‌توانست به گسترش سیاسی شیعه کمک کند. در زمینه علمی، برخی از افراد این خاندان، در شمار محدثان و فقهای معروف شیعه می‌باشند. افراد این خاندان، از اصحاب و یاران ائمه علیهم‌السلام (امام صادق علیه‌السلام تا امام عسکری علیه‌السلام) بوده‌اند. همچنین، برخی از محدثان شهیر، از وابستگان (موالیان) این خاندان هستند. هدف از این پژوهش، بررسی سهم خاندان یقطین در گسترش سیاسی شیعه می‌باشد. این سؤال مطرح است که فعالیت‌های سیاسی خاندان یقطین، چه خاستگاهی داشته است؟ به نظر می‌رسد، فعالیت سیاسی خاندان یقطین، بر راهبردهای سیاسی تعیین‌شده توسط امامان شیعه منطبق بوده است.

پیشینه تحقیق

در ارتباط با خاندان یقطین، پژوهش مستقلی انجام نشده است. تنها برخی از شخصیت‌های خاندان یقطین، مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در این قسمت، به معرفی آن‌ها می‌پردازیم:

کتاب *بررسی زندگی علی بن یقطین*^۱، به بررسی شخصیت «علی بن یقطین»، از چهره‌های شاخص این خاندان، پرداخته است. نویسنده ضمن اشاره به عملکرد سیاسی یقطین بن موسی و علی بن یقطین، بخش‌هایی را نیز به معرفی برادران، فرزندان، دوستان و موالیان علی بن یقطین اختصاص داده است و در پایان، به قصد بازسازی گوشه‌هایی از کتاب *مسائل موسی بن جعفر علی* تألیف علی بن یقطین، تعدادی از احادیث او را ذکر کرده است. این کتاب، اگرچه از نظر معرفی شخصیت علی بن یقطین و تعدادی از افراد این خاندان ارزشمند است، اما چندان نمی‌تواند معرف نقش سیاسی، فرهنگی و اقتصادی این خاندان باشد؛ به‌ویژه آنکه هدف نویسنده، معرفی شخصیت علی بن یقطین به‌عنوان یکی از شاگردان و صحابی خاص امام موسی کاظم علیه السلام بوده است.

کتاب *علی بن یقطین، آفتاب تقیه*^۲، تنها به تبیین شخصیت علی بن یقطین پرداخته، اشاره کوتاهی به پدر او دارد. در این کتاب، مطالب ضد و نقیض به چشم می‌خورد؛ به‌خصوص در ارتباط با پدر علی بن یقطین. مؤلف تنها به ذکر مطالب پرداخته و هیچ‌گونه بحث و بررسی‌ای درباره موضوع نداشته است؛ البته این کتاب از مجموعه کتاب‌های *راویان نور* که به منظور آشنایی عموم با اصحاب امامان علیهم السلام نوشته شده، می‌باشد. بنابراین، چندان نمی‌تواند به‌عنوان یک پژوهش علمی مورد توجه قرار گیرد. دو مقاله با عنوان «آل یقطین» تألیف شده که اشاره کوتاهی به برخی از شخصیت‌های این خاندان دارد: ۱. مقاله «آل یقطین، در دائرة المعارف اسلامی که به معرفی یقطین و علی بن یقطین پرداخته است»^۳، ۲. مقاله «آل یقطین، در دایرة المعارف تشیع که به‌اختصار شش

تن از افراد این خاندان را معرفی کرده است.^۴

از میان شخصیت‌های این خاندان، علی بن یقطین بیشتر مورد توجه نویسندگان بوده است؛ آن هم به جهت عملکرد سیاسی علی بن یقطین و اینکه از شاگردان خاص امام موسی کاظم علیه السلام و طرف توجه حضرت بوده است. به همین دلیل، کتاب‌هایی که در ارتباط با اصحاب و شاگردان ائمه علیهم السلام تألیف شده و یا کتاب‌هایی که درباره زندگانی امام موسی کاظم علیه السلام نوشته شده، به علی بن یقطین هم اشاره کرده‌اند؛ از جمله کتاب‌های: *قهرمانان اسلام*^۵، *پیشوای آزاده*^۶، *شاگردان مکتب ائمه علیهم السلام*^۷ و *کتاب تحلیلی از زندگی امام کاظم علیه السلام*^۸. مطالب مطرح‌شده در این کتاب‌ها، تقریباً شبیه هم می‌باشد و به مسئله حضور علی بن یقطین در دستگاه خلافت اشاره دارد.

یکی دیگر از شخصیت‌های خاندان یقطین، محمد بن عیسی بن عبید می‌باشد. مؤلف کتاب *مفاخر اسلام*^۹ بررسی نسبتاً جامعی درباره محمد بن عیسی انجام داده است. پژوهش انجام‌شده، به‌ویژه در روشن‌ساختن اختلاف نظرات درباره شخصیت محمد بن عیسی، حایز اهمیت است. مقاله «علم رجال و مسئله توثیق»^{۱۰}، به‌ویژه در ارتباط با یونس بن عبدالرحمن و منع نقل حدیث او در حوزه قم و نیز عملکرد ابراهیم بن هاشم در نشر احادیث یونس بن عبدالرحمن در این شهر، قابل توجه است. اگرچه پژوهش‌هایی در خصوص برخی افراد خاندان یقطین انجام شده، اما در مجموع نمی‌تواند معرف نقش خاندان یقطین در عرصه‌های سیاسی و علمی تاریخ شیعه باشد. به همین دلیل، انجام پژوهش جامع درباره خاندان یقطین ضروری به نظر می‌رسد.

معرفی اجمالی خاندان یقطین

واژه «آل»، به مفهوم خاندان و اعقاب مردی شریف می‌باشد.^{۱۱} نگاهی به تاریخ جوامع مختلف نشان می‌دهد که در هر جامعه‌ای، خاندان‌هایی به صورت مورثی عهده‌دار برخی مناصب اجتماعی بوده‌اند و این کار، برای چندین نسل در آن خاندان باقی مانده است.^{۱۲} در تاریخ شیعه نیز بعضی خاندان‌ها، در عرصه سیاست و علم و فرهنگ برای مدت‌ها

فعالیت داشته‌اند. یکی از این نمونه خاندان‌ها که از شهر کوفه برخاسته و در تحولات تاریخ شیعه در قرن دوم هجری نقش داشته‌اند، «خاندان یقطین» می‌باشد. این خاندان، به یقطین بن موسی که در اواخر دوره بنی‌امیه از اکابر داعیان عباسی بوده، منتسب می‌باشد.^{۱۳} در مورد این خاندان، خاستگاه و سابقه تشیع آن‌ها، اطلاعات چندانی در دست نیست؛ تنها یک روایت در منابع وجود دارد که به استناد آن، تا حدودی می‌توان به خاستگاه خاندان یقطین پی برد. این خبر، توسط علی بن یقطین به نقل از جدش روایت شده است. بر اساس این روایت، به نظر می‌رسد که خاستگاه خاندان یقطین، منطقه اهواز بوده و احتمالاً آن‌ها از ایرانیان ساکن در منطقه اهواز بوده‌اند^{۱۴} که البته به‌درستی روشن نیست، چه زمانی به کوفه آمده‌اند. به‌هرحال، یقطین در جریان شکل‌گیری نهضت عباسیان در کوفه بوده و به آن‌ها پیوسته است.^{۱۵} درباره پدران یقطین و سابقه تشیع آن‌ها، اطلاعاتی در دست نیست. موسی، پدر یقطین از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده^{۱۶} و بر اساس تنها روایت موجود در منابع^{۱۷}، برای رفع مشکل مالی خود، از امام علیه السلام تقاضای کمک می‌کند. درباره ارتباط یقطین با امام صادق علیه السلام و تمایل او به تشیع، اخبار متفاوتی در منابع دیده می‌شود. به نظر می‌رسد، یقطین در آغاز، گرایش‌های شیعی داشته و در جریان شکل‌گیری نهضت عباسیان، همانند بیشتر شیعیان به این نهضت پیوسته است. باید توجه داشت که رویکرد ضدّ اموی عباسیان، شیعیان و غیرایشان را به حمایت از حرکت آنان واداشته بود؛ اما می‌توان گفت که هسته کوفی مبارزان ضدّ اموی، تمایلات شیعی داشته‌اند. به‌هرحال، یقطین به نهضت عباسیان پیوسته، از داعیان آن‌ها در شهر کوفه بود.^{۱۸} در مورد اینکه آیا یقطین با وجود پیوستن به نهضت عباسیان و خدماتی که برای تثبیت قدرت آن‌ها انجام داد و بعد از آن نیز عهده‌دار برخی مناصب در دستگاه خلافت بوده است، همچنان به شیعه متمایل بوده و یا خیر، اطلاعات دقیقی در دست نیست. در برخی منابع گفته شده: «یقطین در خدمت ابوالعباس سفّاح و ابی‌جعفر منصور بود و با این‌حال، متمایل به شیعه بود. گاهی اموالی به نزد امام صادق علیه السلام می‌فرستاد. نزد منصور و مهدی، از یقطین سعایت کردند؛ اما او از این امر، جان به سلامت برد.»^{۱۹} آیت‌الله خوئی، نقدهایی بر این خبر وارد کرده‌اند:

نخست، تشیع یقطین به ثبوت نرسیده است؛ چه رسد به اینکه کمک مالی به امام

صادق علیه السلام کرده باشد. همچنین، او از طرفداران بنی عباس بوده و به استناد روایت شیخ کلینی، یقطین شیعه نبوده است.^{۲۰}

دوم، امام صادق علیه السلام در زمان خلافت منصور وفات کرد. پس، چگونه ممکن است که از کمک‌های مالی یقطین به امام صادق علیه السلام نزد مهدی عباسی که خلیفه بعد از منصور بوده، سعایت شود؟^{۲۱} بلکه ترتیب زمانی اقتضا دارد که خبر حمل اموال از جانب علی بن یقطین برای امام کاظم علیه السلام، به هارون الرشید رسیده و خداوند به وسیله عنایات و توجهات امام کاظم علیه السلام، او را از شر هارون حفظ کرده است.

شاید علت عدم اظهار صریح در مورد تشیع یقطین، دو روایتی باشد که در منابع در مورد یقطین وجود دارد. روایت اول، در مورد نگرانی علی بن یقطین از نفرین امام صادق علیه السلام در حق یقطین است.^{۲۲} روشن نیست که علت این نفرین، چه بوده است. اتخاذ موضع او در جریان قیام زید بن علی، انحراف او از تشیع و پیوستن به عباسیان یا اینکه این روایت از باب تقیه در مورد یقطین گفته شده باشد.^{۲۳} روایت دوم که به استناد آن، یقطین را به هواخواهی از عباسیان و عدم گرایش به تشیع متهم می‌کنند، جریان گفت‌وگوی یقطین و پسرش در مورد موفقیت عباسیان و عدم توفیق علویان است.^{۲۴} آیت‌الله خوئی در حاشیه این حدیث می‌نویسد: این روایت دلالت دارد که یقطین به آنچه فرزندش معتقد بوده، اعتقاد نداشته و در تقابل با فرزند خویش بوده است.^{۲۵} گرچه درباره تشیع یقطین نمی‌توان با قاطعیت سخن گفت و ممکن است در پیروی او از ائمه علیهم السلام تردید شود؛ اما فرزندان و نوادگان او، از محدثان شیعه و از اصحاب و یاران ائمه علیهم السلام بوده‌اند. فرزند او، «علی»، از خواص اصحاب و یاران ممتاز امام موسی کاظم علیه السلام بوده است. درباره سابقه آشنایی علی بن یقطین با امامان شیعه، گفتنی است که بر طبق گزارشی، پس از فرار یقطین از کوفه به مدینه و اقامت در این شهر، علی به همراه برادرش، عبید، نزد امام صادق علیه السلام رفته، امام علیه السلام، علی را مورد لطف خود قرار می‌دهد.^{۲۶} این، تنها گزارشی است که از علی بن یقطین تا دوره امام کاظم علیه السلام در منابع گزارش شده است. در این زمان، او از امام کاظم علیه السلام اجازه می‌گیرد که عهده‌دار برخی مناصب در دستگاه خلافت شود و امام علیه السلام با این امر موافقت می‌کند.^{۲۷} درباره اینکه علی بن یقطین

در فاصله بازگشت از مدینه تا حضور در دستگاه خلافت، با امامان علیهم‌السلام و همچنین بزرگان شیعه ارتباط داشته یا خیر و این ارتباط چگونه صورت می‌گرفته است، اطلاعی در دست نیست. احتمالاً علی بن یقطین، امام صادق علیه‌السلام را بارها ملاقات کرده است؛ چراکه در زمان ارتحال آن حضرت علیه‌السلام، او بیش از بیست سال داشته است؛^{۲۸} اما قطعاً اوج فعالیت سیاسی و علمی او، در عصر امام کاظم علیه‌السلام بوده است. از میان فرزندان یقطین، «عبید» به همراه پدرش در امور نظامی فعالیت داشته است.^{۲۹} اگرچه برخی او را از اصحاب امام کاظم علیه‌السلام شمرده‌اند،^{۳۰} اما او در زندگی عملی به پدرش بسیار نزدیک بود^{۳۱} و همین امر، تشییع او را زیر سؤال می‌برد؛ البته نوادگان او، از رجال برجسته شیعه می‌باشند. از میان فرزندان یقطین: یعقوب^{۳۲}، خزیمه^{۳۳}، ایوب^{۳۴} و ادیس^{۳۵}، از محدثان شیعه و اصحاب ائمه علیهم‌السلام می‌باشند. نوادگان یقطین نیز از محدثان و راویان شیعه می‌باشند. این افراد، عبارت‌اند از: حسین بن علی بن یقطین^{۳۶}، حسن بن علی یقطین^{۳۷}، احمد بن علی بن یقطین^{۳۸}، محمد بن حسن بن علی بن یقطین^{۳۹}، احمد بن اسماعیل بن یقطین^{۴۰}، علی بن اسماعیل بن یقطین^{۴۱}، جعفر بن محمد بن یقطین^{۴۲}، جعفر بن عیسی بن عبید بن یقطین^{۴۳} و ابوجعفر محمد بن حسن بن علی بن محمد بن عیسی بن یقطین البزاز یقطینی.^{۴۴} برخی از آنها، مانند موسی بن عیسی بن عبید^{۴۵} و محمد بن عیسی بن عبید^{۴۶}، از معتمدان حضرت رضا علیه‌السلام بوده‌اند.

خاندان یقطین، از موالی^{۴۷} بنی‌اسد بودند و خود نیز، صاحب موالیان متعددی بودند. از میان وابستگان (موالیان) این خاندان نیز فردی مانند یونس بن عبدالرحمن، از شخصیت‌های برجسته شیعه می‌باشد.^{۴۸} سایر موالیان این خاندان، مانند: ابوخالد^{۴۹}، الفرج^{۵۰}، سلیمان بن حسین^{۵۱}، امیه^{۵۲} و العلاء بن الحداد^{۵۳} نیز عمدتاً از محدثان و اصحاب ائمه علیهم‌السلام بوده‌اند. با وجود تردید در تشییع برخی چهره‌های این خاندان، اما اکثریت افراد این خاندان، شیعه و از اصحاب ائمه علیهم‌السلام بوده‌اند.

عملکرد سیاسی خاندان یقطین

سیاست در اصطلاح، به امور و پدیده‌های سیاسی نظیر: نهادهای سیاسی، سازمان‌های سیاسی، جریان‌های سیاسی، عقاید سیاسی و روابط سیاسی گفته می‌شود.^{۵۴} خاندان یقطین، از زمان شکل‌گیری نهضت عباسیان، با آنها همکاری داشته، بعد از تثبیت دولت

عباسیان نیز تعدادی از افراد این خاندان از کارگزاران دستگاه خلافت بوده‌اند. از سوی دیگر، با توجه به گرایش‌های شیعی آن‌ها، تعداد بسیاری از افراد این خاندان با امامان شیعه در ارتباط بوده‌اند. بنابراین، بر اساس تعریفی که از سیاست ارائه شد، ابتدا به بررسی روابط سیاسی خاندان یقطین با دستگاه خلافت و در ادامه، ارتباط آن‌ها با یکی از جریان‌های سیاسی در جامعه اسلامی، یعنی امامان شیعه می‌پردازیم.

ارتباط خاندان یقطین و دستگاه خلافت

یقطین: وی در آغاز به نهضت عباسیان پیوسته و یکی از داعیان آن‌ها در کوفه بود. در جریان دستگیری ابراهیم امام، وی به‌عنوان بازرگان از خلیفه اجازه خواست تا وی با ابراهیم امام به‌بهانه اینکه به وی بدهکار است، دیدار کند. در این دیدار، او با رمز از ابراهیم امام درباره جانشینش سؤال کرد و او نیز برادرش، سفّاح را معرفی کرد.^{۶۶} این ماجرا، نقش مهم یقطین را در قدرت‌یافتن عباسیان نشان می‌دهد که در آن مقطع، بحران رهبری نهضت عباسی را حل کرد. خدمت دیگر یقطین، پیش از به قدرت رسیدن عباسیان، زمانی بود که سفّاح و برادرش، منصور به همراه سایر اعضای خانواده در کوفه در منزل ابوسلمه خلّال مخفی بودند. در این میان، یقطین به همراه ابوسلمه و مساور، مسئول تدارک غذای آن‌ها بودند.^{۶۷}

منصور برای مقابله با شورش عبدالله بن علی، ابومسلم را به جنگ با او فرستاد. بعد از سرکوب و کسب غنائم، خلیفه، یقطین بن موسی را پیش او فرستاد که خزاین عبدالله را ضبط کند. این اقدام، باعث خشم ابومسلم شد؛ اما یقطین با سوگند به وی اطمینان داد که خلیفه، وی را فقط برای تبریک پیروزی فرستاده است. این اقدام، باعث نرمش ابومسلم شد؛ درحالی‌که می‌دانست یقطین به دلیل وفاداری به خلیفه، حتی سوگند دروغ خورده است.^{۶۸} نزدیکی و ارتباط یقطین با دستگاه خلافت، آن‌چنان بود که یکی از اجزای آن به شمار می‌رفت و از افراد نزدیک به خلفا محسوب می‌شد. از یقطین به‌عنوان یکی از کسانی که در تدفین خلیفه، منصور، حضور جدّی داشتند، یاد شده است.^{۶۹}

یقطین در زمان مهدی عباسی از سال ۱۶۱هـ.ق تا پایان عمر خلیفه، به مدت ده سال از طرف دستگاه خلافت، مسئولیت انجام کارهای عمرانی حرمین شریفین (مکه و مدینه) را به عهده داشته است. وی در سال ۱۶۷هـ.ق از جانب مهدی عباسی، مأمور اجرای

بازسازی مسجدالحرام و مسجدالنبی گردید.^{۵۹}

وقتی در سال ۱۶۹ هـ.ق، حسین بن علی (شهید فخر) در مدینه قیام کرد، هادی عباسی، سپاهی برای سرکوبی وی فرستاد. از جمله سران سپاه، یقطین بن موسی و عبید بن یقطین بودند. با وجود موفقیت سپاه اعزامی، خلیفه با سران سپاه به تندی برخورد کرد و آنان را از دادن پاداش محروم نمود.^{۶۰}

یقطین در عصر هارون هم مصدر مشاغلی در خلافت عباسی بوده است. اگرچه از جزئیات خدمات او اطلاع دقیقی در دست نیست، اما برخی از گزارش‌ها مانند سفر وی به افریقیه برای فراخواندن «عبدویه»^{۶۱} به فرمان‌بری از خلافت عباسی به دستور یحیی بن خالد، وزیر هارون^{۶۲}، حکایت از حضور مؤثر وی در دستگاه خلافت دارد.

علی بن یقطین: سابقه حضور وی در دستگاه خلافت، به دوره منصور عباسی برمی‌گردد. روایتی به نقل از علی بن یقطین نشان می‌دهد که او در جریان بنای شهر بغداد، جزء ملتزمان سپاه منصور در بازدید از زمین شهر بوده است.^{۶۳}

علی بن یقطین در اواخر دوره خلافت مهدی (۱۵۸ - ۱۶۹ ق)، متصدی امور دیوان زمام‌الأمرة^{۶۴} گردید.^{۶۵} با توجه به اهمیت این منصب، می‌توان گفت که علی بن یقطین، از اختیارات بسیاری برخوردار بوده و موقعیت ویژه‌ای نزد خلیفه داشته است. علی بن یقطین، جریان رفتن مهدی به ماسبذان^{۶۶} و روزهای پایانی حیات وی^{۶۷} و همچنین، اقدام مهدی عباسی برای بیعت‌گرفتن از شخصیت‌های بنی‌عباس و رؤسای قبایل برای پسرانش را گزارش کرده است.^{۶۸}

علی بن یقطین در دوره خلافت هادی عباسی، در سمت خود باقی ماند. طبری می‌گوید: «هادی عباسی در سال ۱۶۹ هـ.ق ابتدای خلافت خود، ... انگشتر و مهر خلافت را به دست علی بن یقطین باقی گذاشت.»^{۶۹} این امر نشان می‌دهد که علی بن یقطین در دوره مهدی هم عهده‌دار این سمت بوده است. علی بن یقطین، در دوره خلافت هادی، به همراه چند تن دیگر از بزرگان، از ولیعهدی پسر هادی عباسی، جعفر، حمایت می‌کردند.^{۷۰} در دوره خلافت هارون الرشید، علی بن یقطین همچنان عهده‌دار برخی مناصب سیاسی بود. با توجه به گرایش‌های شیعی علی بن یقطین و نیز موقعیت ویژه او نزد خلیفه،

مخالفان از هر فرصتی برای ضربه‌زدن به علی بن یقطین استفاده می‌کردند. خلیفه عباسی که به شدت با علویان مخالف بود، تلاش بسیاری برای اثبات تشیع علی بن یقطین کرد؛ اما هیچ‌گاه موفق به این امر نشد. به‌رحال، در دوره هارون‌الرشید، مسائل و مشکلاتی برای علی بن یقطین از سوی خلیفه به‌وجود آمد که البته با راهنمایی‌های امام کاظم علیه السلام، این مسائل برطرف می‌شد.^{۷۱} علی بن یقطین درحالی‌که خطرات بسیاری او را تهدید می‌کرد، به فعالیت در دستگاه خلافت می‌پرداخت. او باید کاملاً مراقب می‌بود تا عملی که مذهب او را نمایان می‌ساخت، انجام ندهد. اقدامات اقتصادی او، نشان می‌دهد که وی تنها در حد توان و به‌شکلی که او را به خطر نیندازد، به این کار می‌پرداخت؛ قطعاً اگر برای هارون ثابت می‌شد که علی بن یقطین، شیعه است، او را به قتل می‌رساند؛ حتی گاهی شرایط به اندازه‌ای برای علی بن یقطین سخت می‌شد که از امام علیه السلام تقاضا می‌کردند که او را از فعالیت در دستگاه خلافت معاف بدارند؛ ولی امام علیه السلام ایشان را تشویق به ماندن در دستگاه خلافت کردند.^{۷۲}

عبید بن یقطین: او به همراه پدرش، به امور نظامی در خلافت عباسی مشغول بوده است. از گزارش منابع چنین برمی‌آید که او همراه پدرش در سپاه خلیفه عباسی، موسی هادی، در جنگ با حسین بن علی (شهید فح) شرکت داشته است.^{۷۳}

محمد بن یقطین: او در سال ۲۰۱ هـ.ق از سوی منصور بن مهدی، به جنگ با محمد بن حمید طوسی^{۷۴} اعزام شد که البته در این مأموریت موفقیتی نداشت.^{۷۵} از فعالیت سیاسی سایر افراد خاندان یقطین، اطلاعی در دست نیست.

بررسی تأثیر موقعیت سیاسی علی بن یقطین در وضعیت شیعیان

علی بن یقطین با توجه به مسئولیتی که در خلافت عباسی عهده‌دار بوده و بر دیوان‌ها نظارت داشته است، در فرصت‌های مناسب از این موقعیت به نفع جامعه شیعه استفاده می‌کرد. ارتباط مداوم علی بن یقطین با امام کاظم علیه السلام و ارسال کمک‌های مالی نزد امام علیه السلام، همگی نشان‌دهنده آن است که علی بن یقطین با توجه به ضرورت‌های سیاسی به‌وسیله نمایندگان با امام کاظم علیه السلام ارتباط داشته است. وی در طول دوران مسئولیتش، زمینه را برای نشان دادن فضل و دانش امام علیه السلام فراهم می‌ساخت. البته این کار را در زمان مهدی عباسی تا آن‌جا که شواهد تاریخی حکایت می‌کند، بهتر و بیشتر انجام داده است؛

از جمله: راهنمایی امام علیه السلام برای حل مشکل حکومت با مالکان خانه‌های مجاور مسجدالحرام و مسجدالنبی به هنگام توسعه و گسترش این اماکن؛^{۷۶} سؤال خلیفه درباره حکم تحریم شراب و پاسخ امام علیه السلام به واسطه نامه علی بن یقظین.^{۷۷} در مواقعی نیز علی بن یقظین امام علیه السلام را از خطری که ایشان را تهدید می‌کرد، مطلع می‌ساخت.^{۷۸} از سوی دیگر، موقعیت سیاسی علی بن یقظین در ارسال کمک‌های مالی به امام کاظم علیه السلام و همچنین کمک به شیعیان، تأثیر بسزایی داشت.^{۷۹} علی بن یقظین به طرق مختلف و در فرصت‌های مناسب، از نظر مالی، شیعیان را حمایت می‌کرد. علی بن یقظین، گرچه در مقام وضع قوانین دخالتی نداشته است، اما در مقام اجرای احکام اقتصادی، حمایت مالی از شیعیان را مد نظر داشته است. ابوعمر و کثی روایت کرده که چه بسا علی بن یقظین صد هزار درهم تا سیصد هزار درهم به رسم تحفه و هدیه به حضور امام کاظم علیه السلام می‌فرستاد و آن حضرت، آن را به فقرای شیعه و اهل و عیال خود قسمت می‌نمود.^{۸۰} علی بن یقظین، در باب گرفتن مالیات از شیعیان، نظر امام کاظم علیه السلام را جویا شدند؛ حضرت فرمودند: چنانچه ناگزیر از انجام آن هستی، در مورد اموال شیعه مواظب و برحذر باش. پس از آن، علی بن یقظین به‌طور علنی و ظاهری، از شیعیان خراج و مالیات می‌گرفت؛ ولی پنهانی و سری به آنان برمی‌گرداند.^{۸۱} علی بن یقظین، از طریق افراد قابل اعتماد، اموالی را نزد امام کاظم علیه السلام در مدینه می‌فرستاد و به فرستادگان خود سفارش می‌کرد که کسی از حال آن‌ها مطلع نشود.^{۸۲} گاهی امام علیه السلام برای تأمین زندگی شیعیان از علی بن یقظین درخواست کمک می‌کرد؛ از جمله این افراد، عبدالله بن یحیی کاهلی از اصحاب و شیعیان مخلص امام علیه السلام بود.^{۸۳} از دیگر افرادی که مورد حمایت مالی وی قرار گرفت، شاعر برجسته آن دوره، «ابوالعتاهیه» بود.^{۸۴} یکی دیگر از اقدامات علی بن یقظین برای کمک به شیعیان، این بود که همه‌ساله، عده‌ای از شیعیان را به نیابت از خود، به حج می‌فرستاد و مبالغی به آن‌ها می‌داد. علی بن یقظین کاروانی متشکل از دویست و پنجاه تا سیصد نفر از شیعیان را که در میان آن‌ها افرادی مثل عبدالله بن یحیی کاهلی و عبدالرحمن بن حجاج بود، تجهیز می‌کرد تا از طرف او، حج مستحبی انجام دهند.^{۸۵} حضور این کاروان در مراسم حج، با توجه به اینکه متشکل از فقها و دانشمندان نامدار شیعه بود، نتایج مهمی در پی داشت؛ از جمله: نخست، امکان حضور شیعیان در مناسک

حج را فراهم می‌ساخت. دوم، با اجرتی که به آن‌ها پرداخت می‌نمود، بنیه مالی و اقتصادی شیعیان را بالا می‌برد. مامقانی می‌گوید: غرض و هدف علی بن یقطین از این عمل، یاری‌رساندن به برادران شیعه‌اش بوده است.^{۸۶}

بررسی مسئله حضور علی بن یقطین در دستگاه خلافت

حضور علی بن یقطین در دستگاه خلافت و همکاری او با خلفای عباسی، این سؤال را پیش می‌آورد که با توجه به اینکه شیعیان از همکاری با دستگاه حاکمه و حکام جور منع می‌شدند، آیا فعالیت علی بن یقطین در دستگاه خلافت عباسی، برخلاف نظام فکری شیعه بود؟ علت تأیید حضور وی در دستگاه خلافت عباسی توسط امام کاظم علیه السلام چه بود؟

در پاسخ به این سؤال، باید گفت که دیدگاه کلی شیعه در این زمینه، عدم همکاری با حکومت است. علی بن یقطین می‌گوید: «از سرورم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام اجازه خواستم تا به خدمت عباسیان درآیم و در اموری که گزندی به آیینم نمی‌رساند، تلاش کنم. حضرت پاسخ داد: نه، حتی به اندازه‌ای که نقطه‌ای بر کاغذهایشان نهی، اجازه نمی‌دهم...»^{۸۷} این مسئله، یک امر کلی در دیدگاه شیعه است؛ اما در این میان، امامان شیعه با شرایطی به پیروان خود اجازه می‌دادند که با دستگاه حاکمه همکاری کنند و آن، حمایت از شیعیان بود. امام کاظم علیه السلام در ادامه جواب به نامه علی بن یقطین می‌فرماید: «... [به شما] اجازه نمی‌دهم؛ مگر به جهت گرامیداشت و آزادی مؤمنی از اسارت. باید حضورتان منجر به برآوردن نیاز برادران و نیکی بدان‌ها - در حد امکان - شود؛ وگرنه هیچ کرداری از شما پذیرفته نمی‌شود. بر برادرانتان مهر ورزید و رحم آورید تا به ما بپیوندید.»^{۸۸}

در مکاتباتی که میان امام کاظم علیه السلام و علی بن یقطین صورت می‌گرفت، امام علیه السلام او را تشویق به ماندن در دستگاه خلافت می‌کردند.^{۸۹} شیخ انصاری درباره همکاری با حکومت جائز می‌گوید: «ظاهر روایات این است که قبول ولایت از طرف ولیّ جائز و ستمگر، با قطع نظر از ترتب گناه و معصیت، به‌خودی‌خود حرام است؛ علاوه بر اینکه ولایت و حکومت از طرف جائز، جدا و منفک از معصیت نیست.»^{۹۰} سپس می‌فرماید: «یکی از موارد اتفاقی و اجماعی که قبول ولایت از طرف ولیّ جائز را مباح و جایز می‌سازد، قیام به مصالح مردم است و بر این مطلب، بعضی از فقها تصریح کرده‌اند.»^{۹۱} در مجموع، عملکرد علی بن یقطین در دستگاه خلافت، نه تنها بر خلاف راهبرد تعیین شده

شیعه نبود، بلکه وی موظف بود به فعالیت خود ادامه دهد و از این طریق، منشأ خدمات برای شیعیان باشد. در پاسخ به این سؤال که آیا علی بن یقظین با برنامه قبلی وارد دستگاه خلافت شده و یا حضور اولیه او با هماهنگی امام علیه السلام نبوده است، باید گفت که با توجه به پیشینه خاندان یقظین در خدمت به عباسیان، امکان حضور علی بن یقظین در دستگاه خلافت فراهم بود. با توجه به اجازه‌خواهی وی از امام کاظم علیه السلام برای اشتغال در دستگاه خلافت عباسی، می‌توان به این نتیجه رسید که از آغاز همکاری‌اش با خلافت، با اجازه و راهنمایی ائمه علیهم السلام به این کار اقدام نموده است. امام کاظم علیه السلام، حتی در مواقعی که وی از حضور در دستگاه خلافت اظهار دل‌تنگی و نارضایتی می‌کند، از وی می‌خواهد که همچنان به کار خویش ادامه دهد. علی بن یقظین با استفاده از رویکرد تقیه، به کار خود ادامه می‌داد؛ چه اینکه تقیه به‌عنوان یک ابزار در راهبرد طراحی‌شده توسط امامان شیعه، کمک می‌کرد تا شیعیان با رعایت این اصل، به فعالیت خود بپردازند.

ارتباط خاندان یقظین با امامان شیعه و جریان‌های شیعی

بر اساس مفهوم سیاست، ارتباط با جریان‌های سیاسی از مصادیق فعالیت‌های سیاسی است. خاندان یقظین، علاوه بر ارتباط با دستگاه خلافت، با یکی از جریان‌های سیاسی جامعه اسلامی، یعنی امامان شیعه در ارتباط بودند. در این بین، چگونگی ارتباط اعضای این خاندان با امامان شیعه، از اهمیت برخوردار است. با توجه به شرایط سیاسی و فرازونشیب‌های دستگاه خلافت در دوره هریک از امامان، قطعاً چگونگی ارتباط شیعیان با امامان، در همه دوره‌ها یکسان نبوده است. گاهی شیعیان برای دیدار با ائمه علیهم السلام، از آزادی عمل بیشتری برخوردار بودند و گاهی این ارتباط، بسیار محدود و به‌سختی صورت می‌گرفته است. در این میان، با توجه به شرایط، شیعیان بر اساس خط‌مشی و رهنمودهای امامان، به برقراری ارتباط اقدام می‌کردند. بر این اساس، می‌توان گفت که شیوه ارتباط افراد خاندان یقظین در دوره‌های مختلف حیات ائمه علیهم السلام نیز بر طبق روش تعیین‌شده از سوی امامان بوده است. از سوی دیگر، با توجه به مواضع قاطع و برخورد شدید امامان شیعه با جریان‌های مذهبی و انحرافی، مانند غلات و واقفیه در جامعه شیعه، افراد این خاندان بر اساس راهبردهای سیاسی تعیین‌شده از سوی ائمه علیهم السلام، به مقابله با این

جریان‌ها پرداختند.

در باب چگونگی ارتباط خاندان یقطین با ائمه علیهم‌السلام باید گفت، ارتباط علی بن یقطین با امام کاظم علیه‌السلام بیشتر مورد توجه منابع قرار گرفته است. بخشی از این ارتباط، به مسائل و موضوعات فقهی و برخی دیگر به فرستادن وجوه مالی به نزد امام علیه‌السلام مربوط بود. در برقراری این ارتباط، افرادی چون «عبدالرحمن بن حجاج بجلي» نقش آفرینی می‌نموده‌اند. او از شخصیت‌های بزرگ و فقیهان برجسته بود. وی می‌گوید: «یکی از سال‌ها عازم سفر شدم و با من اموال بسیاری برای امام کاظم علیه‌السلام بود. علی بن یقطین، نامه‌ای به من سپرد که در آن نامه از آن بزرگوار خواسته بود تا برایش دعا کند.»^{۹۲} علاوه بر این، به نظر می‌رسد که علی بن یقطین، جماعتی از شیعیان را در پوشش کارگزار استخدام کرده و از طریق ایشان با امام علیه‌السلام در ارتباط بوده است.^{۹۳} تقریباً در تمام ابواب فقهی، علی بن یقطین سؤالاتی از امام کاظم علیه‌السلام پرسیده است که این امر، علاوه بر معرفی علی بن یقطین به عنوان یکی از فقهای برجسته زمان خود، نشان‌دهنده ارتباط برنامه‌ریزی شده و دقیق میان وی و امام علیه‌السلام خواهد بود. همچنین، علی بن یقطین در شرایط مناسب، زمینه را برای نشان دادن فضل و دانش امام علیه‌السلام فراهم می‌کرد و به‌هرحال، از موقعیت خود تا حد امکان به نفع شیعیان بهره می‌برد.

فرزند او، حسن بن علی بن یقطین نیز با امام هفتم^{۹۴} و امام هشتم^{۹۵} مکاتبه می‌کرده است. ایوب بن یقطین نیز به امام رضا علیه‌السلام نامه نوشته و نظر حضرت را درباره «دعای سحر» سؤال نموده است.^{۹۶} جعفر بن عیسی بن عبید، در سال ۱۹۹ هجری به همراه یونس بن عبدالرحمن و جمعی دیگر از شیعیان، به نزد امام رضا علیه‌السلام رفته و نظر حضرت را درباره برخی مسائل جویا شده است.^{۹۷} امام رضا علیه‌السلام به سه تن از افراد این خاندان، یعنی: محمد بن عیسی بن عبید، موسی بن عیسی و یونس بن عبدالرحمن وکالت داد تا همسرش را طلاق دهند.^{۹۸} یونس بن عبدالرحمن، از وکلای امام رضا علیه‌السلام بود. وی با امام هفتم درباره نسبت زندق که به او داده بودند، صحبت کرد و امام علیه‌السلام به او فرمود: «اگر در دست تو مروارید باشد و مردم بگویند سنگریزه است، ضرری به تو نمی‌رساند و اگر در دست تو سنگریزه باشد، مردم بگویند مروارید است، نفعی به تو نمی‌رساند.»^{۹۹} با امام رضا علیه‌السلام

درباره نسبت زندقه به وی گفت‌وگویی داشته و همچنین، نظر امام علیه السلام را در زمینه‌های مختلف در احادیث خود آورده است. یونس بن عبدالرحمن، از مدافعان امامت امام رضا علیه السلام بود.^{۱۰۰}

حضرت رضا علیه السلام در دوره امامت خود، به‌ویژه پیش از سفر به مرو، از یک آزادی نسبی برخوردار بودند و شیعیان امکان بیشتری برای برقراری ارتباط با آن حضرت داشتند. ارتباط افراد خاندان یقطین نیز با امام رضا علیه السلام بیشتر است و آن‌ها با حضرت یا حضوری دیدار کرده یا با ایشان مکاتبه داشته‌اند.^{۱۰۱} از دوره امام جواد علیه السلام به بعد، شرایط برای شیعیان سخت شد. با حضور امام دهم و یازدهم در سامرا، امکان دیدار شیعیان با امامان علیهم السلام به حداقل رسید و آن‌ها بیشتر به صورت مکاتبه ارتباط داشتند. از میان افراد این خاندان نیز، محمد بن عیسی بن عبید با امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام با مکاتبه در ارتباط بوده است.^{۱۰۲}

در باب ارتباط خاندان یقطین با جریان‌های مذهبی چون واقفیه و غلات در میان شیعیان، کمتر می‌توان گزارشی مبنی بر ارتباط این خاندان با این جریان‌های مذهبی و انحرافی به دست داد. تنها یک مورد از گرایش یکی از افراد این خاندان به جریان غالی‌گری در منابع گزارش شده است.^{۱۰۳} در مورد جریان واقفیه، خاندان یقطین در مقابل این جریان، از مدافعان امامان شیعه بوده‌اند.^{۱۰۴} محمد بن عیسی بن عبید، با تألیف کتاب *الواضح المكشوف فی الرد علی اهل الوقوف*^{۱۰۵} به دفاع از ائمه علیهم السلام پرداخته است.

نتیجه

خاندان یقطین، از خاندان‌های تأثیرگذار در تاریخ شیعه از اواسط قرن دوم تا اواسط قرن سوم است. بعد از تثبیت دولت عباسیان، تعدادی از افراد این خاندان، از کارگزاران دستگاه خلافت بوده‌اند. از سوی دیگر، با توجه به گرایش‌های شیعی خاندان یقطین، تعداد بسیاری از آنان با امامان شیعه به‌عنوان یک جریان سیاسی در جامعه اسلامی در ارتباط بوده‌اند. حضور آن‌ها در دستگاه خلافت، وسیله‌ای برای تحقق آرمان‌های شیعه بود. اقدام علی بن یقطین در نفوذ دادن امام کاظم علیه السلام و ثابت کردن برتری دانش ایشان به خلیفه

عباسی و تلاش در تقویت بنیه اقتصادی شیعیان، می‌توانست در راستای تحقق همان اهداف باشد. همچنین، اجازه‌خواهی علی بن یقطین از امام کاظم علیه السلام مبنی بر آغاز به کار وی در دستگاه خلافت عباسی، بیانگر رویکرد هوشمندانه امامان شیعه و دقت نظر خاندان‌های موثر شیعی در این عرصه می‌باشد. علاوه بر فعالیت خاندان یقطین در دستگاه خلافت بر اساس راهبردهای سیاسی تعیین شده توسط امامان شیعه، چگونگی ارتباط آنان با ائمه علیهم السلام با توجه به شرایط سیاسی جامعه در دوره‌های مختلف و نیز موضع‌گیری آنان در برابر جریان‌های مذهبی و انحرافی چون غلات و واقفیه، در جهت خطامشی سیاسی امامان شیعه بود. در مجموع، اگرچه فعالیت سیاسی خاندان یقطین در مقیاس خرد، بر ابتکارات شخصی آن‌ها مبتنی بوده، اما می‌توان اقدامات و رویکردهای سیاسی این خاندان در سطح کلان را با راهبردهای سیاسی تعیین شده توسط امامان شیعه منطبق دانست.

Archive of SID

پی نوشت‌ها:

۱. اکبری، غلامرضا، بررسی زندگی علی بن یقطین، [بی‌جا]: مؤسسه فرهنگی والشمس، [بی‌تا].
۲. عبیری، عباس، علی بن یقطین، آفتاب تقیه، قم: دار الحدیث، ۱۳۷۵ش.
۳. یوسفی اشکوری، حسن، «آل یقطین»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۸ش، ج ۲، ص ۱۸۴.
۴. صالحی شهیدی، عبدالحسین، «آل یقطین»، دائرة المعارف تشیع، زیر نظر احمد صدرحاج سیدجوادی، کامران فانی و بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: نشر شهید سعید محبی، ۱۳۸۰ش، ج ۱، ص ۲۲۹.
۵. تشید، علی اکبر، قهرمانان اسلام، [بی‌جا]: مجله تاریخ اسلام، ۱۳۴۲ش، ج ۲، ص ۶۳ - ۵۷.
۶. پیشوایی، مهدی، امام موسی بن جعفر علیه السلام، پیشوای آزاده، قم: توحید، ۱۳۶۰ش، ص ۱۴۸ - ۱۶۴.
۷. عالمی دامغانی، محمدعلی، شاگردان مکتب ائمه علیهم السلام، قم: ۱۳۷۱ش، ج ۳، ص ۵۹ - ۶۷.
۸. شریف قرشی، باقر، تحلیلی از زندگی امام کاظم علیه السلام، ترجمه محمدرضا عطائی، قم: کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، ۱۳۶۸ش، ج ۲، ص ۳۳۰ - ۳۳۷.
۹. دوانی، علی، مفاخر اسلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۶ش، ج ۱، ص ۲۰۹.
۱۰. بهبودی، محمداقبر، «علم رجال و مسئله توثیق»، کیهان فرهنگی، سال هشتم، شماره ۱۳۷۰، ۸، ص ۳۰.
۱۱. آذرنوش، آذرتاش، «آل»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، ص ۵۳۶؛ نیز ن.ک: دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران: ۱۳۲۵ش، ذیل واژه «آل»؛ الزبیدی، مرتضی، تاج العروس، مصر: مطبعة الخیریه، ۱۳۰۶ش، ذیل واژه «بیت».
۱۲. برای نمونه، ن.ک: نقش خاندان‌ها در ایران پیش از اسلام؛ نولدکه، تئودور، تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان، ترجمه عباس زریاب، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

- فرهنگی، ۱۳۷۸ش، ص ۴۶۴؛ شبه جزیره پیش از اسلام؛ برو، توفیق، تاریخ العرب القديم، دمشق: دار الفکر، ۱۹۸۸م، ص ۱۸۰ - ۱۸۳.
۱۳. مدرس تبریزی، محمدعلی، ریحاته الأدب، تهران: کتاب‌فروشی خیام، ۱۳۶۹ش، ج ۸، ص ۴۸۴.
۱۴. دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، قم: احیاء التراث، ۱۴۰۸ق، ص ۲۹۰؛ برای بررسی این روایت، ن.ک: نوری طبرسی، میرزاحسین، مستدرک الوسائل، بیروت: احیاء التراث، ۱۴۰۸ق، ج ۱۳، ص ۱۳۴ - ۱۳۵؛ مفید، محمد بن محمد بن النعمان، الاختصاص، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق، ص ۲۶۰؛ حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۱۴۲.
۱۵. ابن کثیر، ابوالفداء، البدایه والنهایه، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۹ق، ج ۷، ص ۱۸۰.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن، رجال، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۰۱، شماره ۴۴۲۲، ذیل اصحاب ابی‌عبدالله جعفر بن محمد الصادق علیه السلام: «موسی‌الابزاری الکوفی»؛ دیلمی، پیشین، ص ۲۹۰؛ مفید، پیشین، ص ۲۶۰.
۱۷. دیلمی، پیشین، ص ۲۹۰؛ مفید، پیشین، ص ۲۶۰.
۱۸. [نامعلوم]، اخبار الدوله العباسیه، بیروت: [بی‌نا]، ۱۹۷۱م، ص ۳۳۱.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، قم: الشریف الرضی، [بی‌تا]، ص ۹۰؛ ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، تهران: [بی‌نا]، ۱۳۵۰، ص ۲۷۹.
۲۰. علی بن یقطین گوید: «به موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم: من از نفرینی که امام صادق علیه السلام به یقطین و فرزندانش کرده، نگران و ترسانم. امام فرمود: ای ابوالحسن! آن‌گونه که تو فکر می‌کنی نیست. همانا مؤمن در صلب کافر، مانند سنگریزه در میان خشت خام است؛ باران می‌آید و خشت را می‌شوید و به سنگریزه هیچ‌گونه آسیبی نمی‌رساند» (کلینی، محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۴۶).

۲۱. الموسوی خوئی، سید ابوالقاسم، معجم الرجال الحديث، بیروت: دار الزهراء، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۳۶.
۲۲. کلینی، پیشین، ج ۲، ص ۴۶.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، مرآت العقول، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۱۱ق، ج ۶، ص ۶۵.
۲۴. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۳۶۹؛ ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین، علل الشرائع، داوری، قم: [بی تا]، ج ۲، ص ۵۸۱.
۲۵. خوئی، پیشین، ج ۱۲، ص ۲۳۶؛ نیز ن.ک: مجلسی، پیشین، ج ۴، ص ۱۷۸.
۲۶. کشتی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال (المعروف برجال الکشی لابی جعفر محمد بن حسن طوسی)، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۷۳.
۲۷. کشتی، پیشین، ج ۲، ص ۷۴۰؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۳۷۹.
۲۸. علی بن یقطین، دو حدیث، بی واسطه از امام صادق علیه السلام روایت کرده است. (طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ش، ج ۱، ص ۱۶۶؛ همان، ج ۵، ص ۱۷۵)
۲۹. کشتی، پیشین، ج ۱، ص ۷۰۳.
۳۰. همان، ص ۷۳۶.
۳۱. همان، ص ۷۰۳.
۳۲. از اصحاب امام موسی کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام، ثقه و مورد اعتماد و راوی احادیث بی واسطه ایشان می باشد. (همان، ص ۷۳۶)
۳۳. از اصحاب امام موسی کاظم علیه السلام و در سند چند حدیث ذکر شده است. (همان)
۳۴. از اصحاب امام رضا علیه السلام و راوی دو حدیث از ایشا است. (طوسی، تهذیب الاحکام، پیشین، ج ۳، ص ۱۰۱)

۳۵. از اصحاب امام رضا علیه السلام است. (طوسی، رجال، پیشین، ص ۳۶۸)
۳۶. از اصحاب امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام و در سند ۱۰۷ روایت واقع شده است. همه علمای رجال، او را ثقة معرفی کرده‌اند. (همان، ص ۲۷۲؛ برقی، احمد بن محمد بن خالد، رجال، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ق، ص ۱۲۲؛ حلی، حسن بن یوسف مطهر، خلاصه الأفعال فی معرفة الرجال، تهران: [بی‌تا]، ۱۳۱۲ق، ص ۲۶؛ حلی، حسن بن علی بن داود، رجال، نجف: مطبعة الحیدریة، ص ۷۶)
۳۷. از اصحاب امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام است. علمای رجال، از او به بزرگی و وثاقت یاد کرده‌اند. او از امام جواد علیه السلام نیز روایت کرده است. در سند ۱۳۱ روایت واقع شده است. (برقی، رجال، پیشین، ص ۱۲۲؛ طوسی، رجال، پیشین، ص ۲۷۲؛ ابن داود، رجال، پیشین، ص ۷۶)
۳۸. راوی یک روایت از پدرش در باب امامت امام موسی کاظم علیه السلام است. (کشّی، پیشین، ج ۲، ص ۲۷۱)
۳۹. در کتب رجالی، ذکری از او به میان نیامده است. تنها در سند یکی از احادیث شیخ کلینی، به نام او اشاره شده است. (کلینی، محمد بن یعقوب، التروع، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳ش، ج ۶، ص ۳۶۶)
۴۰. از اصحاب امام هادی علیه السلام است؛ ولی در سند روایتی واقع نشده است. (برقی، رجال، پیشین، ص ۱۳۸؛ طوسی، رجال، پیشین، ص ۴۰۹؛ امین، محسن، اعیان الشیعة، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۸۰)
۴۱. در کتب رجالی، ذکری از او به میان نیامده است. تنها در سند یکی از روایات شیخ کلینی، به نام او اشاره شده است. (کلینی، الاصول، پیشین، ج ۱، ص ۲۸۱؛ خوئی، پیشین، ج ۱، ص ۲۷۷)
۴۲. در کتب رجالی، ذکری از او به میان نیامده است. تنها در سند روایتی که شیخ طوسی در

کتاب خود آورده، به نام او اشاره شده است. (طوسی، تهذیب الاحکام، پیشین، ج ۲، ص ۶۴)

۴۳. از اصحاب امام رضا علیه السلام است. وی به همراه تنی چند از شیعیان، به نزد امام علیه السلام رفته، درباره موضوعاتی با حضرت صحبت کرده‌اند. (طوسی، رجال، پیشین، ص ۳۷۰؛ مجلسی، محمدباقر، الوجیزه، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ق، ص ۱۷۶؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان المیزان، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۵۱)

۴۴. ثقه و مورد اعتماد بود. در سند برخی گزارش‌های تاریخی و نیز روایات مربوط به سرگذشت پیامبران، واقع شده است. (سمعانی، عبدالکریم، الانساب، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۷۰۳؛ ابن اثیر، عزالدین، اللباب فی تهذیب الانساب، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۴۶۷؛ نیز ن.ک: ابوبکر محمد بن احمد بن محمد بن عبید بن یقظین، سماعی، الانساب، ج ۵، ص ۷۰۳)

۴۵. از اصحاب امام موسی کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام است؛ اما در سند حدیثی، واقع نشده است. وی مورد وثوق و اعتماد حضرت رضا علیه السلام بوده است. (طوسی، تهذیب الاحکام، پیشین، ج ۸، ص ۳۸۱)

۴۶. از اصحاب امام رضا علیه السلام، امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام بوده است. علما درباره شخصیت او اختلاف دارند. برخی او را ضعیف و از غلات می‌دانند. (طوسی، رجال، پیشین، ص ۴۲۲) برخی مانند نجاشی، از وی تجلیل نموده و او را از بزرگان اصحاب می‌دانند. وی، دانشمندی موثق و کثیرالروایه و صاحب تألیفات بسیار است و در سند بیش از ۲۳۰ حدیث قرار دارد. گروهی از اعظم فقها و محدثان نیمه دوم سده سوم، نزد وی شاگردی نموده‌اند و به اخذ اجازات نایل گشته، از او روایت کرده‌اند. (نجاشی، احمد بن علی، الرجال، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۱۸)

۴۷. مسئله ولاء، در دوره پیش از اسلام در میان اعراب مطرح بوده است. در جامعه عرب جاهلی، موالی انواع مختلف بودند. در اسلام نیز این عمل ادامه داشت و اهالی شهرها و دهها،

به اعراب فاتح پناه برده، لایت و حمایت آن‌ها را جلب می‌نمودند. با توجه به طبقه‌بندی موالی، نوع موالی بودن خاندان یقطین (مولی عقد)، با نوع موالیان آن‌ها (مولی مکاتبه) متفاوت است. (ن.ک: جواد، علی، *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، قم: شریف الرضی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۶۶)

۴۸. مولی علی بن یقطین، از اصحاب و شاگردان امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام است. اخبار و روایات درباره یونس، دو دسته است: اخبار مشتمل بر مدح و اخبار مشتمل بر ذم. در برخی روایات، او را متهم به زندقه کرده‌اند. (کشی، پیشین، ج ۲، ص ۷۸۷) وی، به دلیل دفاع از امر امامت، مورد دشمنی مخالفان قرار گرفت و آن‌ها اخبار دروغ درباره او منتشر کردند. اخبار ذم در مورد یونس، صحت ندارد. (همان، ج ۲، ص ۷۸۶) او مورد توجه امام کاظم علیه السلام (همان، ص ۷۸۳) و امام رضا علیه السلام بوده است. وی، در سند بیش از ۲۶۳ حدیث واقع شده است. تألیفات و تصنیفات او را بیش از سی کتاب نوشته‌اند. (طوسی، *الفهرست*، پیشین، ص ۱۸۱؛ نجاشی، *الرجال*، پیشین، ج ۲، ص ۴۲۲)

۴۹. از موالیان علی بن یقطین بوده، از امام موسی کاظم علیه السلام روایت کرده است. (امین، *اعیان الشیعة*، ج ۲، ص ۲۴۷؛ طوسی، *تهذیب الاحکام*، ج ۵، ص ۹۴)

۵۰. از اصحاب امام صادق علیه السلام و امام موسی کاظم علیه السلام است. هیچ روایتی از او نقل نشده است. (برقی، *رجال*، پیشین، ص ۱۱۲؛ طوسی، *رجال*، پیشین، ص ۲۴۹)

۵۱. کاتب و نویسنده علی بن یقطین است و از امام صادق علیه السلام روایت کرده است. (برقی، *رجال*، پیشین، ص ۱۱۲؛ طوسی، *رجال*، پیشین، ص ۲۴۹)

۵۲. کاتب علی بن یقطین، تنها مطلب درباره او، روایتی است که ابوعمرو کشی، در شرح احوال علی بن یقطین نقل می‌کند. (کشی، پیشین، ج ۲، ص ۷۴۴)

۵۳. از موالی یقطین کوفی و از اصحاب امام صادق علیه السلام است که هیچ حدیثی از او نقل نشده است. (طوسی، *رجال*، پیشین، ص ۲۴۵؛ برقی، *رجال*، پیشین، ص ۷۸) برای آشنایی با سایر

- موالیان این خاندان، ن.ک: مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال، نجف: المطبعة المرتضوية، ۱۳۵۲ق، ج ۲، ص ۴۵؛ تستری، محمدتقی، قاموس الرجال، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۱۸۰؛ طوسی، تهذیب الاحکام، پیشین، ج ۹، ص ۲۰. حفص بن عمر بن محمد، مؤذن علی بن یقظین است. (امین، اعیان الشیعة، پیشین، ج ۶، ص ۲۰۵)
۵۴. آراسته‌خو، محمد، نقد و نگرشی به فرهنگ اصطلاحات علمی و اجتماعی، تهران: نشر گستره، ۱۳۶۹ش، ص ۴۰۰.
۵۵. ابن کثیر، البداية والنهاية، پیشین، ج ۷، ص ۱۸۰.
۵۶. الدینوری، ابوحنیفه، الاخبار الطوال، قم: منشورات الرضی، ۱۳۶۸ش، ص ۳۵۹.
۵۷. الدینوری، پیشین، ص ۳۷۹؛ الیعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب بن جعفر، تاریخ الیعقوبی، بیروت: دار صادر، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۶۶؛ الطبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم والملوک، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ق، ج ۷، ص ۴۸۲؛ المسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب ومعادن الجوهر، قم: دار الهجرة، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۹۰؛ ابن اعثم کوفی، ابی‌محمد احمد، الفتح، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۱۱ق، ج ۸، ص ۳۵۷؛ ابن القتیبه الدینوری، عبدالله، الامامة والسیاسة، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۸۳؛ ابن الطقطقی، محمد بن علی، الفخری، بیروت: دار القلم العربی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۶۵.
- برخی منابع، به نام یقظین اشاره نمی‌کنند و می‌گویند: «منصور، یکی از خدمت‌گزاران خود را فرستاد.» (ابن کثیر، البداية والنهاية، پیشین، ج ۷، ص ۳۶؛ ابن جوزی، ابوالفرج، المنتظم فی تاریخ الملوک والأمم، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۵)
۵۸. ابن اثیر، عزالدین، الكامل فی تاریخ، بیروت: دار الصادر، ۱۳۸۵ق، ج ۶، ص ۲۲.
۵۹. همان، ج ۶، ص ۷۶؛ ابن کثیر، البداية والنهاية، پیشین، ج ۷، ص ۱۱۶ و ۱۳۴؛ ابن تغری بردی، جمال‌الدین، النجوم الزاهرة، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۲؛ الزرکلی،

- خیرالدین، الاعلام، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۹۹۹م، ج ۸، ص ۱۰۷؛ ابن جبیر، محمد بن احمد، رحله ابن جبیر، بیروت: دار الصادر، ۱۳۸۴ق، ص ۶۸؛ الیعقوبی، پیشین، ج ۲، ص ۳۹۶؛ الطبری، پیشین، ج ۸، ص ۱۶۵)
۶۰. الطبری، پیشین، ج ۸، ص ۲۰۳.
۶۱. عبدالله بن جارود، معروف به عبدویه انباری، به سال ۱۷۸ق، در جریان شورش مردم تونس علیه حاکم منطقه، رهبری آنان را به عهده داشت.
۶۲. الطبری، پیشین، ج ۸، ص ۲۵۶.
۶۳. یاقوت حموی، شهاب‌الدین، معجم البلدان، بیروت: دار بیروت، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۴۵۸؛ ابن الطقطقی، پیشین، ص ۱۵۹. مؤلف، این ماجرا را نقل می‌کند؛ اما به نام «علی بن یقطین» اشاره نمی‌کند.
۶۴. در دوره خلافت مهدی، دیوانی به نام دیوان «زمام‌الازمه» تأسیس شد. نخستین کسی که دیوان زمام را بنا نهاد، عمر بن بزیع بود. در ایام خلافت مهدی، وقتی تعداد دیوان‌ها افزایش یافت، به منظور نظارت بر عملکرد دقیق دیوان‌ها، برای هر دیوانی، زمامی در نظر گرفت. (الطبری، پیشین، ج ۸، ص ۱۶۷) مهدی عباسی نیز دیوان زمام‌الازمه را بنیان نهاد. این دیوان، بر دیوان‌های ازمه نظارت می‌کرد. در واقع، عمر بن بزیع در هر یک از دیوان‌ها (مالی، خراج و یا سپاه) بخش نظارتی ایجاد کرد و نام آن را «دیوان زمام» نهاد؛ مثلاً دیوان زمام خراج. این دیوان‌ها، تحت نظر علی بن یقطین فعالیت می‌کردند؛ به عبارت دیگر، علی بن یقطین، مسئولیت نظارت بر عملکرد دیوان‌های ازمه را به عهده داشت.
۶۵. الیعقوبی، پیشین، ج ۲، ص ۴۰۱؛ الطبری، پیشین، ج ۸، ص ۱۶۷؛ جهشیاری، محمد بن عبدوس، الوزراء والکتاب، بیروت: دار الفکر، ۱۴۰۸ق، ص ۱۰۶.
۶۶. از بلاد جبال بوده و آن را «سیروان» هم می‌گفته‌اند.
۶۷. الیعقوبی، پیشین، ج ۲، ص ۴۰۱؛ الطبری، پیشین، ج ۸، ص ۱۶۸؛ المسعودی، پیشین، ج ۳،

- ص ۳۲۳.
۶۸. ابن اعثم، پیشین، ج ۸، ص ۳۷۰؛ عمرانی، محمد بن علی، *الانباء فی تاریخ الخلفاء*، مشهد: دفتر نشر کتاب، ۱۳۶۳ش، ص ۳۲.
۶۹. الطبری، پیشین، ج ۸، ص ۱۸۹.
۷۰. الجهشیری، پیشین، ص ۱۱۲.
۷۱. مفید، محمد بن محمد بن النعمان، *الارشاد*، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۲۷ - ۲۲۸؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *المناقب آل ابی طالب*، قم: مؤسسه انتشارات علامه، [بی تا]، ج ۴، ص ۲۸۸ - ۲۸۹؛ شوشتری، قاضی نورالله، *مجالس المؤمنین*، تهران: کتاب فروشی اسلامیة، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۳۹۰.
۷۲. حمیری قمی، ابوالعباس، *قرب الاسناد*، تهران: مکتبه نینوی الحدیث، [بی تا]، ص ۳۰۵؛ مجلسی، *بحار الأنوار*، پیشین، ج ۴۸، ص ۱۵۸.
۷۳. الطبری، پیشین، ج ۸، ص ۱۹۹؛ اصفهانی، ابوالفرج، *مقاتل الطالبین*، بیروت: مؤسسه الاعلامی للمطبوعات، ۱۴۱۹ق، ص ۳۷۸.
۷۴. از سرداران معروف مأمون که شعرايي مانند بختري، او را مدح کرده‌اند. وی، در جنگ با بابک خرم‌دین کشته شد.
۷۵. الطبری، پیشین، ج ۸، ص ۵۵۰؛ ابن اثیر، پیشین، ج ۶، ص ۳۲۴.
۷۶. عیاشی، محمد بن مسعود، *التفسیر*، قم: مؤسسه البعثة، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۱۸۵؛ مجلسی، *بحار الأنوار*، پیشین، ج ۴۸، ص ۲۴۸.
۷۷. عیاشی، پیشین، ج ۲، ص ۱۴۶؛ مجلسی، *بحار الأنوار*، پیشین، ج ۴۸، ص ۱۴۹.
۷۸. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین، *امالی*، بیروت: اعلامی، ۱۴۰۰ق، ص ۳۷۶؛ مجلسی، *بحار الأنوار*، پیشین، ج ۹۱، ص ۳۱۷ - ۳۲۰.
۷۹. برای نمونه، ن.ک: کشی، پیشین، ج ۲، ص ۷۳۲، ۷۳۴، ۷۴۱ و ۷۴۵.

۸۰. همان، ص ۷۳۲؛ شوشتری، پیشین، ج ۱، ص ۳۸۹؛ حسینی ارموی، میر جلال‌الدین، *تعلیقات نقض*، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸، ج ۱، ص ۴۳۸.
۸۱. کلینی، *الفروع*، پیشین، ج ۵، ص ۱۱۰؛ مجلسی، *بحار الأنوار*، پیشین، ج ۴۸، ص ۱۵۸.
۸۲. کشی، پیشین، ج ۲، ص ۷۳۴.
۸۳. همان، ص ۵۴۶؛ قمی، *شیخ عباس، منتهی الآمال*، قم: مؤنن، ۱۳۸۰ش، ص ۸۵۱.
۸۴. اصفهانی، ابوالفرج، *الأغانی*، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۵۴؛ ابوالعتاهیه، شاعر فیلسوف عرب، در بغداد نزد خلفای عباسی تقرب یافت. بعد از مدتی حضور در دربار، از زندگی پرتجمل درباری دل‌زده شد و به زهد و سرودن اشعار زهد و پندگونه روی آورد. او متمایل به تشیع و از دوست‌داران امام کاظم علیه السلام بود و هنگامی که امام علیه السلام در زندان بود، عقیده خود را صراحتاً ابراز می‌کرد و به دلیل همین آزاداندیشی، مدتی در زندان به سر برد.
۸۵. کشی، پیشین، ج ۲، ص ۷۳۱ - ۷۳۲ و ۷۳۷.
۸۶. مامقانی، پیشین، ج ۲، ص ۳۱۶؛ حسینی ارموی، پیشین، ج ۱، ص ۴۴۴.
۸۷. کشی، پیشین، ج ۲، ص ۷۴۰؛ مجلسی، *بحار الأنوار*، پیشین، ج ۴۸، ص ۱۷۲ و ج ۷۵، ص ۳۷۹.
۸۸. همان.
۸۹. حمیری قمی، پیشین، ص ۳۰۱؛ مجلسی، *بحار الأنوار*، پیشین، ج ۷۵، ص ۳۷۰.
۹۰. انصاری، مرتضی، *المکاسب*، تبریز: مطبعة اطلاعات، ۱۳۷۵ش، ص ۵۵ - ۵۶.
۹۱. همان.
۹۲. کشی، پیشین، ج ۲، ص ۷۴۱.
۹۳. ن.ک: المرزبانی، محمد بن عمران، *معجم الشعراء*، قاهره: مکتبة القدسی، ۱۳۵۴ق، ص ۲۸۸. روزی، یکی از عمال خود را به نزد امام فرستاده بود و بسیار نگران بود. پس از بازگشت فرستاده، علی بن یقظین خوشحالی خود را با سرودن ابیاتی نشان داد.

۹۴. طوسی، تهذیب الاحکام، پیشین، ج ۲، ص ۲۱۵.
۹۵. کشتی، پیشین، ج ۲، ص ۷۸۴.
۹۶. کلینی، الفروع، پیشین، ج ۴، ص ۱۶۰.
۹۷. کشتی، پیشین، ج ۲، ص ۷۸۹.
۹۸. طوسی، تهذیب الاحکام، پیشین، ج ۸، ص ۳۸۱.
۹۹. کشتی، پیشین، ج ۲، ص ۷۸۳.
۱۰۰. همان، ص ۷۸۳ و ۷۸۶.
۱۰۱. همان، ص ۷۸۴؛ کلینی، الفروع، پیشین، ج ۴، ص ۱۶۰.
۱۰۲. ابن بابویه، محمد بن علی بن حسین، کمال الدین و تمام النعمه، تهران: نشر اسلامیه، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۵۲۲.
۱۰۳. قاسم بن حسن بن علی بن یقظین. (طوسی، رجال، پیشین، ص ۴۲۱؛ نجاشی، پیشین، ج ۲، ص ۱۸۳)
۱۰۴. کشتی، پیشین، ج ۲، ص ۷۸۶.
۱۰۵. نجاشی، پیشین، ج ۲، ص ۲۱۹.